

رابطه ترتیب تولد فرزندان با شکل گیری شخصیت آنها

بگو فرزند چندمی تا بگویم کیستی!

امروزه متخصصان به این نتیجه رسیده‌اند که شکل گیری شخصیت هر فرد اساسا به این واقعیت زیست‌شناختی که او به‌عنوان اولین یا هفتمین فرزند خانواده متولد شده، وابستگی ندارد. درواقع، نوع نقش آفرینی فرزندان در خانواده است که منجر به تفاوت‌های رفتاری می‌شود. شاید بتوان این مسأله را به‌عنوان «باکترایی توصیف کرد که فرزندان برای مدیریت والدین به کار می‌گیرند. البته والدین نیز آگاهانه یا ناآگاهانه، این نقش آفرینی‌ها را تقویت می‌کنند. در ادامه برای شما توضیح می‌دهیم که ساختار شخصیتی فرزندان چگونه شکل می‌گیرد و این شکل گیری تا چه اندازه به جایگاه هر فرد در درخت خانواده بستگی دارد.

ترجمه: ندا
احمدلو

فرزند اول

وقتی که جک ۴ساله از خوردن ساندویچش خودداری می‌کرد تا حتما مادرش ساندویچ را برایش قطعه‌قطعه کند، اریک ۶ساله با حالت یک برادر بزرگ‌تر مقتدر مداخله می‌کرد و به جک دستور می‌داد ساندویچش را خودش بخورد. در این موقعیت مادرشان به اریک یادآوری می‌کرد که او در جایگاه والدین قرار ندارد و نمی‌تواند این چنین با برادر کوچک‌ترش صحبت کند.

واکنش اریک در گروه واکنش‌های نوعی (typical) قرار می‌گیرد. درواقع، مدل رفتاری فرزندان اول به مدل رفتاری والدین شباهت دارد. با توجه به اینکه فرزندان اول از والدین‌شان پیروی می‌کنند، دوست دارند مسوولیت‌های خاصی برعهده داشته باشند و حکمشان اجرا شود. درواقع، فرزندان اول دارای خواهر یا برادر بزرگ‌تری نیستند که در مواقع ناتوانی مانند اختلال در پیش رفتن بند کفش‌ها یا زمین خوردن موقع شروع دوچرخه‌سواری، آنها را مسخره کند یا دست بیندازد. بزرگسالان نیز فرزندان اول را بیشتر جدی می‌گیرند و همین‌کنه اعتماد به نفس این فرزندان را بالاتر می‌برد. حتی زمانی که والدین به فرزندان اول یادآوری می‌کنند که باید در چنین جایگاه ویژه‌ای به دستاورد خاصی برسند، معمولا آنها نیز تلاش‌شان را چندبرابر می‌کنند.

بنابراین، فرزندان اول به راحتی می‌توانند به شخصیت‌های کاملاً گرا تا تبدیل شوند. یادتان نرود فرزندان اول می‌بندند بزرگسالان به راحتی داخل خطوط معین شده را رنگ می‌کنند یا بدون هیچ نقیصی شیر را درون کاسه می‌ریزند، اما خودشان قادر به چنین کاری نیستند. به همین دلیل هم فرزندان اول می‌خواهند همه چیز برنقص باشد و در اولین اقدام همیشه به موفقیت کامل و بی‌نقص برسند. آنها به همین دلیل در مقابل انجام دادن کارهای شخصی مانند رنگ آمیزی طرح‌ها یا همان آماده‌سازی شیر صبحانه مقاومت می‌کنند چون نمی‌خواهند اشیاء شدن. این تمایلات کاملاً گرایانه می‌تواند کاری کنند که فرزندان اول در صورت مواجهه با اشتباهات خود، ضعف‌های خودشان را نپذیرند.

متوجه شدن این نکته سخت نیست که فرزندان اول چقدر راحت به خودشان فشار می‌آورند. وقتی که این افراد در جایگاه پدر و مادر قرار می‌گیرند، خصوصا در تجربه اولین فرزند، در قبال فرزندشان بیش از حد حالت محافظت‌کننده می‌گیرند. درحالی که فرزندان بزرگ‌تری حالت تجربه‌محورانه دارد و البته سختگیرانه و مطالبه‌گراانه است.

مشهورترین فرزندان اول: اوباما، هیلاری کلینتون، اپرا وینفری، پنهلوپه کروز و کیت میدلتن

شکوه‌های رایج: «من مثل برادر کوچکم خرابکاری نمی‌کنم»، «چرا من باید پاسخگوی کارهای خواهر کوچکم باشم؟»

نکات فرزندپروری برای فرزند اول

• والدین غالبا تمایل دارند فرزند اول را به‌عنوان الگوی اصلی برای دیگر فرزندان معرفی کنند و همین کار می‌تواند فشار زیادی برهمه فرزندان خانواده وارد کند. با این حال، متخصصان نسبت به اثرات سرسخت و فشار ذهنی هشدار می‌دهند. آنها از والدین می‌خواهند در قبال استفاده از کلمه «باید» یا احتیاط بیشتری عمل کنند.

• درحالی‌که والدین، مسوولیت‌های بیشتر و خاصی به فرزند اول می‌سپارند، مرتب‌ها و برتری‌های خاصی هم برای او قائل می‌شوند. • مسوولیت‌دهی بیش از حد به فرزندان اول رایج است. با این حال، متخصصان به والدین می‌گویند انتظار نداشته باشید فرزند اول همیشه و در همه وقت تماما در اختیار شما باشد.



فرزند میانی

هالی ۴ساله که فرزند میانی خانواده است، کاملا قطب مخالف کیت، خواهر بزرگ‌تر ۶ساله‌اش است. مادر آنها می‌گوید که کیت می‌تواند خودش برای رفتن به مهد کودک آماده شود، اما هالی نه. او دائم از مادرش درخواست کمک می‌کند و حتی این کمک‌ها را به امور ساده مانند درآوردن کاپشن یا حمل کردن کوله‌پشتی گسترش می‌دهد. اگرچه هالی به بازی کردن با برادر کوچک‌تر ۳ساله‌اش علاقه دارد، اما نمی‌تواند مانند خواهر بزرگ‌ترش از کوچک‌ترین فرزند خانواده مراقبت کند. متخصصان چنین الگویی را اغلب میان فرزندان میانی خانواده مشاهده می‌کنند. وقتی که یک جایگاه نقش آفرینی اصلی به‌واسطه حضور فرزند اول پر می‌شود، فرزند دوم به دنبال جایگاه کاملا متضاد می‌گردد. به همین دلیل، معین کردن حدود شخصیتی کلی برای فرزندان میانی واقعاً سخت است چون شخصیت آنها در یک نقطه مهم پدیدار می‌شود؛ چه درکی از نقش فرزند اول در خانواده دارند؟ اگر فرزند اول را به‌عنوان فرزند دلخواه والدین ببینند، ممکن است برای جلب توجه به سرکشی و یاغی‌گری دست بزنند. بنابراین، ویژگی‌های شخصیتی فرزند میانی به وضعیت فرزند اول در خانواده وابسته می‌شود. از نظر گاه فرزندان میانی، فرزند اول همه مزیت‌ها و برتری‌ها را درو کرده، درنتیجه فرزند میانی باید برای به‌دست آوردن خواسته‌هایش همیشه مذاکره کند یا چانه بزند. به همین دلیل هم آنها توافق‌کننده، مذاکره‌گر و مصالحه‌گر می‌شوند و از پس مشکلات راحت‌تر برمی‌آیند. آنها عمدتا نظرات واقع‌بینانه‌ای از خودشان دارند، کمتر برای والدین لوس می‌شوند و به پیشترین میزان استقلال تمایل پیدا می‌کنند. البته از آنجایی که فرزندان میانی غالبا فکر می‌کنند اهمیت زیادی برای خانواده ندارند، تمایل دارند خودشان را به جمع‌های دوستانه گره بزنند.

مشهورترین فرزندان میانی: دونالد ترامپ، الی وود، بیل گیتس، پرنسس دایانا و مارتین لوتر کینگ جونیور

شکوه‌های رایج: «هیچ کس من را نمی‌فهمد یا به من گوش نمی‌دهد»، «چرا همه اسباب‌بازی‌های خوب برای برادر بزرگ‌تر من است؟»، «من هیچ اهمیتی برای خانواده ندارم».

نکات فرزندپروری برای فرزند میانی

• وقتی که او برای پایان دادن به دعواي خواهر و برادران دیگر میانجی‌گری می‌کند، حتما از او تشکر کنید. • به نیازهای او برای برقراری ارتباط با همسالان خودش احترام بگذارید. فرصت‌های مناسبی برای ملاقات او با دوستانش در محیط‌های امن مانند خانه یا پارک فراهم کنید. • فرزند میانی غالبا توجه والدین را به‌صورت نصفه‌نیمه در اختیار دارد یا این توجه را با فرزندان دیگر شریک است. پس وقت جداگانه و مناسبی برای فرزند میانی در نظر بگیرید تا احساس ویژه بودن در ذهنش به‌وجود بیاید.

فرزند آخر

والدین اساسا در مواجهه با فرزند آخر (سوم و بعد از آن) همه چیز را آسان می‌گیرند و دیگر مثل دوران فرزند اول‌شان عصبی و حساس نیستند. درنتیجه، آسان‌گیری بیشتری در قبال فرزندان آخر اعمال می‌شود و همین نکته است که پیامدهای مختلفی برای آنها دارد. این فرزندان مسوولیت کمتری برعهده می‌گیرند، کمتر تحت نظارت هستند و قوانین خانه برایشان با آسان‌گیری اعمال می‌شود، ولی درعین حال افراد سرگرم‌کننده، اجتماعی و مهربانی هم هستند.

با این حال، داشتن جایگاه فرزند آخر اصلا به معنای عالی بودن زندگی نیست. با توجه به اینکه آنها عمدتا فرزند اول و دوم را سریع‌تر و باهوش‌تر از خودشان می‌بینند، برای نشان دادن تفاوت خودشان به سرکشی و یاغی‌گری روی می‌آورند. حتی اگر فرزند اول خانواده صاحب فرزند شود، فرزند آخر معمولا می‌خواهد این کودک را لوس بار بیاورد.

مشهورترین فرزندان آخر: دی مورفی، هالی بری، کامرون دیاز، لوسی لیو و ززی ادوئل

شکوه‌های رایج: «عکس‌های من بچگی من کجاست؟»، «من هیچ وقت بزرگ یا باهوش نخواهم شد!»

نکات فرزندپروری برای فرزند آخر

• فرزندان آخر احساس می‌کنند اساسا جدی گرفته نمی‌شوند. پس به آنها اجازه بدهید گاهی اوقات تصمیمات خانوادگی بگیرند. مثلا رستوران مناسب برای شام خوردن را انتخاب کنند. • «اولین» دفعات را در زندگی او جدی بگیرید. بیشتر والدین با هیجان زیادی به فرزند اول توجه می‌کنند، اما این هیجان را در مواجهه با فرزند آخر از دست می‌دهند. اگر تقاضای فرزند اول‌تان را به در بیخچال می‌جسباند، باید همین کار را برای فرزند آخر نیز انجام دهید. • به فرزند آخر نیز مسوولیت بدهید، حتی اگر این مسوولیت‌ها کوچک و ظاهرا ناچیز باشند.

از منظر فرزندمیانی، فرزند اول همه مزیت‌ها و برتری‌ها را درو کرده و درنتیجه فرزند میانی باید همیشه مذاکره کند یا چانه بزند. به همین دلیل هم آنها توافق‌کننده، مذاکره‌گر و مصالحه‌گر می‌شوند و از پس مشکلات راحت‌تر برمی‌آیند.

“